

JUNE 2023

POLICY
BRIEF

خلاصه سیاستی بازنگری در نقش نهادهای مدنی جهت افزایش شیوه‌های عمل حکمرانی خوب جنگل در ایران



Co-funded by
the European Union



نویسندگان:

Marta Rovira, Mireia Pecurul، - مرکز علوم و فناوری جنگل کاتالونیا (CTFC) در اسپانیا
ابوالفضل میرقاسمی، لیلا طاهری، زهرا نقوی - کانون توسعه کارآفرینی روستایی اندیشه پویا (کانون
تکرا)

سلب مسئولیت: این نشریه توسط اتحادیه اروپا تامین مالی/حمایت شده است. مسئولیت محتوای آن تنها بر عهده مرکز
علوم و فناوری جنگل کاتالونیا (CTFC) است و لزوماً منعکس کننده دیدگاه اتحادیه اروپا نیست.

این خلاصه خط مشی در چارچوب پروژه HYRGROW تحت عنوان: "افزایش ظرفیت نهادهای مدنی
(CSOs) برای کمک به حکمرانی جنگل و تحقق رشد پایدار در منطقه اکولوژیکی جنگل‌های مختلط
هیرکانی" با هدف ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای نقش نهادهای مدنی در مدیریت جنگل، تهیه شده است.

نقل قول توصیه شده (نحوه آدرس دادن به این یادداشت سیاستی):

پکورول، م. میرقاسمی، ا. طاهری، ل.، نقوی، ز.، رویرا، م. (۲۰۴۱). بازنگری
در نقش نهادهای مدنی جهت افزایش شیوه‌های عمل حکمرانی خوب
جنگل در ایران. پروژه Hyrgrow، سری ۱ خلاصه خط مشی CTFC

Llicència: CC-BY-SA 4.0

در گزارش موجود در اینجا (لینک ذیل) اطلاعات بیشتری کسب
کنید:

<https://doi.org/10.5281/zenodo.8232711>

نهادهای مدنی (CSOs) نقش مهمی در شکل گیری و تقویت جوامع دموکراتیک دارند. آنها به جوامع به حاشیه رانده شده صدا می دهند، فراگیری و برابری را ترویج می کنند و به رفاه (به زیستن) و توسعه کلی جوامع کمک می کنند.

در ایران، علیرغم فعالیت تحت محدودیت های اعمال شده توسط دولت، نهادهای مدنی نظیر تشکل های مردم نهاد (NGOs) نقش مهمی ایفا می کنند. از نظر حکمرانی (حکمرانی) جنگل، نهادهای مدنی از طریق فعالیت ها، حمایت و مشارکت خود به جنبه های مختلف مدیریت جنگل، حفاظت و توسعه پایدار کمک می کنند. با این حال، آنها با چالش های متعددی روبرو هستند که مانع می شود تا فعالیت های خود را به درستی توسعه دهند، مانند چارچوب های قانونی محدود کننده، بودجه و منابع ناکافی، همکاری و هماهنگی ضعیف بین نهادهای مدنی، سازمان های دولتی و سایر ذینفعان، فشار یا مقاومت سیاسی از سوی گروه های ذینفع قدرتمند، و ضعف آگاهی در مورد اهمیت جنگل در سطح جامعه.

سیاست های دولتی تلاش هایی را برای مقابله با چالش های جنگل زدایی و تغییرات آب و هوایی انجام می دهند. با این حال، در بسیاری از موارد، اقدامات دولت برای حفاظت از جنگل ها، فقرا و افرادی را که در نزدیکی جنگل ها زندگی می کنند، محروم می کند. در مناطق روستایی، جنگل نقش کلیدی در کاهش فقر ایفا می کند، زیرا جمعیت های آسیب پذیر به شدت به منابع طبیعی برای حمایت از معیشت خود وابسته هستند. نهادهای مدنی با هدف ارائه جایگزین های اقتصادی برای جوامع محلی، در تلاش هستند تا ایجاد مشاغل مبتنی بر استفاده از محصولات جنگلی را تسهیل کنند. به عنوان مثال، فرصت های زیادی در زیر چتر محصولات جنگلی غیر چوبی (NTFPs¹) وجود دارد که شامل تولید محصولات مختلف مانند عسل، قارچ، ترافل، آجیل، انواع توت ها، گیاهان دارویی و معطر، صنایع دستی و طبیعت گردی (اکوتوریسم) می شود. با این حال، هنوز مشخص نیست که رابطه بین نهادهای مدنی، جوامع محلی و دولت برای تقویت حاکمیت مشارکتی جنگل، رشد پایدار و توسعه روستایی چیست؟

برای رسیدگی به چالش های پیش روی نهادهای مدنی از قبیل تقویت اعتماد و همکاری با دولت، ارتقای همکاری میان ذینفعان چند بخشی، بهبود چارچوب های قانونی و سازوکارهای تامین مالی، و افزایش آگاهی عمومی در مورد اهمیت جنگل ها و مدیریت پایدار آنها، تلاش هایی مورد نیاز است.



¹ NTFPs: Non-Timber Forest Products

چالش‌ها و محدودیت‌ها

اعتمادسازی بین نهادهای مدنی و دولت را بهبود بخشند. با این حال، برخی از نهادهای مدنی ترجیح می‌دهند فعالیت خود را از مقامات دولتی مخفی کنند، زیرا می‌ترسند استقلال خود را از دست بدهند.

فقدان فرهنگ مشارکتی و همکاری جمعی

چالش موجود نحوه ایجاد همکاری در یک دولت و جامعه پراکنده است. برنامه‌های توسعه سنتی از بالا به پایین، مهاجرت و از بین رفتن دانش محلی (دانش بومی) عواملی هستند که اعتماد به نفس را در جوامع محلی از بین برده‌اند. یکی از چالش‌های اصلی نهادهای مدنی این است که چگونه میتوان این اعتماد را بازسازی کرد.

فساد، انحصار، رقابت منفی، نبود استاندارد در تولید کالاها و محصولات محلی.

برخی مشکلات مانند فساد، انحصار (برخوردهای مافیایی)، تقلب، رقابت منفی بین تولیدکنندگان محلی، نبود استاندارد در تولید کالا/محصولات محلی و غیره باعث ایجاد مشکلات و موانع و جلوگیری از پیشرفت در طرح‌های توسعه ای می‌شود.



چالش‌های ایجاد نهادهای مدنی و کسب‌وکارهای محلی.

انواع مختلف موانع وجود دارند که مانع توسعه مؤثر سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شوند که می‌توانند در جهت توسعه مشاغل سبز و توسعه محلی بر اساس استفاده از محصولات غیرچوبی جنگل (NTFP) عمل کنند.

پیچیدگی بالای اداری و عدم اطمینان مانع از کارآفرینی محلی می‌شود.

نهادهای مدنی و کسب‌وکارهای محلی در هنگام آغاز فرآیند ایجاد و اخذ مجوز برای قانونی کردن وضعیت رسمی خود، بارهای زیادی را به دوش می‌کشند که مستلزم طی فرآیندهای اداری بسیار طولانی و رویه‌های نامشخص است که نیازمند تأیید بخش‌های مختلف وزارتی است که در حوزه ستادی فعالیت می‌کنند. معمولاً صدور مجوز فعالیت با آموزش و مهارت آموزی ارتباطی ندارد.

سرمایه قابل توجه مورد نیاز و حقوق تصدی (مالکیت اراضی) ضعیف، ریشه‌درگیری و تضاد منافع است.

راه اندازی مشاغل، به سرمایه قابل توجهی برای پوشش هزینه‌هایی مانند تهیه طرح کسب‌وکار، اخذ مجوزها و پرداخت سایر عوارض و مالیات‌های اقتصادی غیر رسمی نیاز دارد. سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق روستایی مطلوب دیده می‌شود. با این حال، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منبع اصلی ناآرامی و درگیری‌های اجتماعی هستند. علاوه بر این، در زمینه حقوق مالکیت ضعیف، عدم اطمینان می‌تواند زمین‌داران کوچک را وادار کند که زمین‌های خود را به توسعه دهندگان مناطق شهری بفروشند (ساخت خانه دوم و ویلاسازی‌ها). در نتیجه، زمین رایگان (اراضی ملی) برای راه اندازی مشاغل محلی روز به روز کمیاب‌تر می‌شود.

شبکه‌های بسته فعلی می‌توانند مانع نوآوری و تبادل آزاد اطلاعات شوند.

شبکه‌ها برای حمایت از کسب‌وکارهای جدید و نهادهای مدنی بسیار مهم هستند، زیرا همکاری و اشتراک اطلاعات را تسهیل می‌کنند. شبکه‌ها همچنین می‌توانند

راه‌هایی که باید رفت: نقش‌های بالقوه نهادهای مدنی چیست؟

در این فرآیند مشارکتی، موضوع جنسیت (مشارکت توأمان زن و مرد) و حضور فعال جوانان است. نهادهای مدنی می‌توانند آموزش و فرصت‌هایی را برای افزایش دیده شدن و شناخت زنان و جوانان در توسعه روستایی فراهم کنند.

یک سیاست و تنظیم‌گری تواناساز

جنگل‌های هیرکانی منبع اصلی تولید چوب (الوار تجاری) در ایران بودند و سهم بسزایی در اقتصاد ایران داشتند. علاوه بر این، جنگل‌ها خدمات اکوسیستمی مهمی مانند ترسیب کربن و تنظیم جریان آب را ارائه می‌کنند که بر سایر کاربری‌های زمین مانند کشاورزی، دامداری و باغات تأثیر می‌گذارد که منابع اصلی درآمد برای اکثر مردم منطقه هستند. بنابراین، مدیریت پایدار این جنگل‌ها هم برای تامین معیشت جوامع محلی و هم برای اقتصاد ایران به‌عنوان یک کل، حیاتی است و این اهمیت باید در سیاست‌ها و چارچوب‌های تنظیم‌گری هدایت‌کننده شیوه‌های بهره‌برداری از اراضی (تعیین کاربری اراضی) منعکس شود.

تقویت ظرفیت نهادی و کارکنان برای مدیریت جنگل

تقویت ظرفیت اجرای قانون، توانایی مقامات را برای اتخاذ رویکردهای چند منظوره، مدیریت تغییرات تنوع زیستی، و کنترل قطع غیرقانونی درختان و فناوری‌های نامناسب بهره‌برداری از اراضی بهبود می‌بخشد. آگاهی ذینفعان در مورد مدیریت پایدار جنگل و دامنه‌های طبیعی (منظر) و همچنین آموزش فناوری‌هایی مانند پایش تنوع زیستی، پهنه بندی، استفاده از ذخیره گاه تنوع زیستی و روش‌های مناسب کاشت و برداشت در شیوه‌های جنگلداری، ذینفعان را قادر می‌سازد تا برنامه‌های مدیریتی خود را بهتر اجرا کنند.

مشارکت و درگیر شدن جامعه محلی در مدیریت یکپارچه و چند منظوره جنگل.

مدیریت یکپارچه و چند منظوره جنگل به جوامع محلی قدرت بیشتری بر مدیریت اراضی خود، احساس مالکیت بیشتر و در نتیجه دلایل بیشتری برای حفاظت از آن می‌دهد. این مهم به بهره‌برداران محلی اراضی، دانش و مهارت‌هایی را می‌دهد تا بتوانند اراضی را به همراه سایر بهره‌برداران اراضی مدیریت کنند، اتصال و پیوستگی را افزایش داده و وابستگی آنها را به پشتیبانی و خدمات بیرونی کاهش می‌دهد. ایجاد پایلوت‌های کاربردی که شامل مدیریت توسط جامعه محلی می‌شود، می‌تواند به تعیین بهترین روش‌ها و فناوری‌ها برای مدیریت موفق جنگل کمک کند و درس‌هایی را می‌توان آموخت و تکرار کرد.

افزایش شفافیت و حمایت از ساده‌سازی اداری (تسهیل امور).

علاوه بر اعتمادسازی، آموزش/مهارت آموزی، ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه اجتماعی، نقش نهادهای مدنی می‌تواند به این ابتکارات جدید کمک کند تا راهنمایی‌ها و حمایت‌های قانونی را ارائه دهند. برای ساده‌سازی استراتژی‌های اداری و کاهش پیچیدگی مقررات تنظیم‌گری و عدم قطعیت‌ها، نهادهای مدنی می‌توانند توصیه‌ها و حمایت‌هایی را به دولت‌ها ارائه کنند. علاوه بر این، نهادهای مدنی می‌توانند به عنوان ناظر در سیاست‌های فعلی اصلاحات ارضی (تهیه نقشه‌های کاداستر اراضی) برای افزایش شفافیت و پاسخگویی این اصلاحات عمل کنند.

افزایش انباشت اولیه سرمایه مالی، اجتماعی و دانشی.

نهادهای مدنی می‌توانند از مدل‌های کسب‌وکار فراگیر مبتنی بر اصول کارآفرینی جمعی، هر جا که ممکن باشد، و اجتناب از خطر بالای بازتولید نابرابری و فردگرایی در فرآیندهای پایین به بالا حمایت کنند. در صورتی که کارآفرینی جمعی امکان پذیر نباشد، حداقل باید بازدهی منصفانه برای همه اعضای جامعه فراهم شود. نهادهای مدنی همچنین می‌توانند در مورد فرصت‌هایی که در سازمان‌های عمومی برای جذب بودجه و خدمات (آموزش شغلی و. بازاربایی) وجود دارد و اینکه چگونه می‌توانند از حقوق خود دفاع کنند، راهنمایی کنند.

افزایش تبادل اطلاعات و ارتباطات بین جوامع و دولت و بازار

نهادهای مدنی می‌توانند به عنوان رابط بین جامعه مدنی، حکومت و بازار عمل کنند. تقویت روابط دولتی، ایجاد فضاهایی برای تعاملات سازنده و نوآورانه می‌تواند مفید باشد. علاوه بر این، نهادهای مدنی می‌توانند از فرآیندهای مذاکره با نهادهای مدنی حمایت کنند یا مستقیماً از حقوق جامعه محلی در برابر دولت حمایت کنند. برای تغییرات بلندمدت، آموزش نهادهای مدنی در زمینه یادگیری مهارت‌های نرم به عنوان فنون مذاکره و تسهیل امور، مطلوب است.

حمایت از گذار به حکمروایی مشارکتی در سطح محلی

تغییر فرهنگی، یک پروژه بلند مدت است که مستلزم استقامت و عزم است. نهادهای مدنی می‌توانند با آماده‌سازی بستر و افزایش آمادگی برای مشارکت، بخشی از این تغییر باشند. برای به دست آوردن مجدد اعتماد با جوامع درگیر، روش‌های مشارکت باید همراه با اجرا، نظارت و ارزیابی، و اطمینان از بازگشت به جوامع درگیر در این فرآیند باشد. یک جنبه مهم



CTFC



پروژه HYGROW توسط اتحادیه اروپا و تحت برنامه "اقدامات نهادهای مدنی و مقامات محلی در کشورهای همکار (در داخل کشور) - جمهوری اسلامی ایران" تامین مالی شده است.